



تحلیلی بر میزان آگاهی دانشجویان دانشگاه پیام نور از حقوق شهروندی (مطالعه موردی دانشگاه پیام نور مرکز خدابنده)

وحیده اسگندری

گروه علوم اجتماعی، عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور قروه، کردستان، ایران. Esgandari4157@yahoo.com

چکیده

حقوق شهروندی یکی از ملزومات تحقق دموکراسی در هر جامعه‌ای می‌باشد. که این حقوق در چارچوب قانون اساسی شامل انواع حقوق (اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، جنسیتی و مدنی) می‌باشد. این پژوهش با هدف بررسی و تحلیل میزان آگاهی دانشجویان دانشگاه پیام نور مرکز خدابنده از حقوق شهروندی با استفاده از روش پیمایشی و تکنیک پرسشنامه، در نمونه‌ای با کاربرد روش تصادفی ساده و انتخاب ۳۲۲ نفر از دانشجویان ترم ۶ و بالاتر که در سال تحصیلی ۹۵-۹۶ مشغول به تحصیل بودند، انجام گردید. فرضیه‌های پژوهش عبارت بودند: ۱. آگاهی دانشجویان از ابعاد مختلف حقوق شهروندی (ابعاد مدنی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، جنسیتی) متفاوت است. ۲. میزان آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی در حد متوسطی است. که با استفاده از تحلیل‌های آماری پژوهش، آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار، چولگی و ..) و شاخص‌های آمار استنباطی (t هتلینگ و آزمون کای اسکوتر)، فرضیه‌های پژوهش تایید گردید. بیشترین میزان آگاهی در میان دانشجویان مربوط به حقوق مدنی و کمترین میزان آگاهی مربوط به حقوق جنسیتی بوده است.

کلید واژه‌ها: حقوق شهروندی، دانشجویان، آگاهی، قانون اساسی.

۱- مقدمه و بیان مسأله

حقوق شهروندی ناظر بر حقوق فردی و رابطه فرد با دولت و دیگر شهروندان است و دربرگیرنده ابعاد سیاسی (شامل: داشتن حق رای مساوی، حق مشارکت در اداره عمومی جامعه، حق شرکت در تجمعات اعتراض آمیز قانونی و ..). مدنی (آزادی عقیده و بیان و انتقاد از دولت). اجتماعی (در برگیرنده دسترسی آزاد به اطلاعات، مصونیت حیثیت مال و جان و حقوق مردم). ، اقتصادی (رفاه اقتصادی)، فرهنگی (آزادی پیروان مذاهب در برپایی مراسمات مذهبی، حق سخن گفتن به زبان مادری) و جنسیتی (شامل: حق رای برای زنان، شرکت زنان در فعالیتهای خارج از منزل) است. شهروندی به عنوان یکی از مهمترین مولفه‌های دموکراسی به شمار می‌آید و دموکراسی واقعی در جامعه‌ای تحقق پیدا می‌کند که افراد آن جامعه به حقوق خود، آگاه باشند تا زمانی که قوانین رسمی و مکتوب در جامعه‌ای وجود داشته باشد ولی شهروندان آگاه وجود نداشته باشد این قوانین مکتوب تحقق عملی پیدا نخواهد کرد. در چنین جامعه‌ای ما شاهد ظهور دموکراسی صوری خواهیم بود. دموکراسی واقعی علاوه بر وجود ساختارهای مناسب نیاز به کنشگران آگاه دارد چرا که ارتباط و پیوند ناگسستنی بین عاملیت و ساختار وجود دارد.

تحلیل جامعه‌شناختی تاریخی شهروندی ایران تا پیش از انقلاب اسلامی ۵۷ نشان می‌دهد که طی سه دوره تاریخی (ایران باستان، ایران پس از اسلام تا انقلاب مشروطه و ایران پس از مشروطه تا انقلاب اسلامی ۵۷) واقعیت اجتماعی شهروندی و موقعیت جامعه‌شناختی شهروندی سه شکل اجتماعی به خود گرفته است: "امتناع شهروندی" (عدم شکل‌گیری و تقویت زمینه‌ها و بسترسازی شهروندی)، "امکان شهروندی" (ظرفیت و پتانسیل شکل‌گیری و تقویت زمینه‌ها و بسترسازی شهروندی) و "ایجاب شهروندی" (احساس ضرورت وجود زمینه‌ها و بسترسازی شهروندی). از حیث جامعه‌شناسی تاریخی شهروندی این سه شکل اجتماعی به ترتیب با دوره‌های تاریخی ایران باستان (امتناع شهروندی)، ایران پس از اسلام تا مشروطه (امکان شهروندی) و ایران پس از مشروطه تا پیش از انقلاب اسلامی ۵۷ (ایجاب شهروندی) قابل تطبیق است. شکل اجتماعی چهارم یعنی "ایجاد شهروندی" (تقویت زمینه‌ها برای بسترسازی موقعیت شهروندی) در ایران پس از انقلاب اسلامی ۵۷ نمود اجتماعی پیدا کرده است. ماهیت گفتمان قانون اساسی، ترتیبات سیاسی جمهوری اسلامی، جهت‌گیریهای قوانین موضوعه مجلس شورای اسلامی و راهبردهای برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به همراه الزامات مدرنیستی برخاسته از روح دموکراسی و جمهوری‌گرایی بر "ایجاد شهروندی" اثرگذار بوده است. (توسلی و نجانی حسینی، ۱۳۸۳: ۵۷). با توجه به "تعامل/تقابل" نظام سیاسی حقوقی و دولت با موقعیت شهروندی پس از انقلاب اسلامی، "ایجاد شهروندی" در سه بعد

"شهروندی مدنی" (شهروندی ناظر به حق آزادی های مدنی)، "شهروندی اجتماعی" (شهروندی ناظر به حق برخورداری از رفاه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی) و "شهروندی سیاسی" (شهروندی ناظر به حق مشارکت سیاسی) هم با چالشهای ساختاری نهادی (سیاسی، حقوقی، اجتماعی، فرهنگی) مواجه بوده و هم اینکه از پیشرفت و گسترش برخوردار شده است. (همان). در ایران رد پای شهروندی را می توان در انقلاب مشروطیت یافت و بعد از انقلاب ۱۳۵۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ۱۲ اصل به حقوق سیاسی شهروندی، ۸ اصل به حقوق اجتماعی شهروندی، ۱۴ اصل به حقوق مدنی شهروندی، ۴ اصل به حقوق فرهنگی شهروندی پرداخته شده است. (قانون اساسی، ۱۳۶۸)

علاوه بر این حقوق شهروندی در بسیاری از موارد مورد تایید ادیان الهی و بویژه دین اسلام می باشد حقوقی از جمله حق حیات، حق آزادی بیان و انتقاد، حق تعیین سرنوشت، حق امنیت، حق برابری و عدم تبعیض و مانند آن، همگی مورد تایید و تاکید اسلام هستند و حتی آیات صریحی نیز در خصوص آنها وجود دارد که به نمونه ای از آنها اشاره می شود: **حق حیات**: چون از شما پیمان محکم گرفتیم که خون همدیگر را نریزید. " و اذا اخذنا میثاقکم لاتسفکون دماء کم و لا تخرجون " (بقره، ۸۴) - هرکس دیگری را جز برای قصاص یا مبارزه با فسادگری بکشد، گویی همه مردم را کشته است. " من قتل نفسا بغير نفس او فساد فی الارض فکانما قتل الناس جميعا " (مائده، ۳۲). **حق آزادی** (بیان، دین و سایر آزادیهای مشروع): با اهل کتاب جز با شیوه ای که نیکوتر است، مجادله نکنید. " ولا تجادلوا اهل الکتاب الا بالتي هي احسن " (عنکبوت، ۴۶) - در قبول دین اکراهی نیست، راه درست از راه انحرافی روشن شده است. " لا اکراه فی الدین قد تبين الرشد من الغی... " (بقره، ۲۵۶). **حق امنیت**: ای اهل ایمان هرگز به هیچ خانه ای مگر خانه های خودتان تا با صاحبانش انس (اجازه) ندارید، وارد نشوید و چون رخصت یافتید و داخل شدید، نخست به اهل آن خانه تحیت و سلام کنید که این برای شما بهتر است، باشد که متذکر شوید تا اجازه یابید و آنگاه درآیید و چون به خانه ای درآمدید و گفتند بازگردید، زود بازگردید که این برای تنزیه شما بهتر است و خداوند به هرچه می کنید، داناست. " یا ایها الذین امنوا لاتدخلوا بیوتا غیر بیوتکم... " (نور، ۲۷-۲۸). **حق برابری و عدم تبعیض**: ای مردم، ما شما را از یک مرد و یک زن آفریدیم و شما را به صورت جماعت ها و قبیله ها قرار دادیم تا با یکدیگر آشنا شوید؛ همانا گرامی ترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست. خدا دانا و آگاه است. " یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و ائنی و جعلناکم... " (حجرات، ۱۳). **حق آموزش**: برابر آموزه های دینی، نه تنها آموزش حق بشر است، بلکه حکمت ارسال رسل و تشریح شرایع، تعلیم و آموزش انسانها عنوان شده است. همچنانکه در قرآن می خوانیم: همانگونه که رسولی در میان شما از نوع خودتان فرستادیم تا آیات ما را بر شما بخواند، و شما را تزکیه کند و حکمت بیاموزد و آنچه نمی دانستید به شما یاد دهد " کما ارسلنا فیکم رسولا منکم یتلوا علیکم آیاتنا و یزکیکم و یعلمکم الکتاب و الحکمه و یعلمکم ما لم تکنوا تعلمون " (بقره، ۱۵۱) اغلب تحقیقات انجام شده در خصوص وضعیت شهروندی در ایران نشان دهنده ضعف آگاهی و شناخت افراد مورد مطالعه از حقوق شهروندیشان می باشد، به عنوان نمونه ملیحه شیانی (۱۳۸۲) در رساله دکتری خود با عنوان "وضعیت شهروندی و موانع تحقق آن در ایران"، اصلی ترین موانع تحقق کامل شهروندی در ایران را از یک سو فقدان منابع و فرصت های اجتماعی در سطح کلان دانسته که بر توانمندسازی جامعه برای پاسخ گویی به نیازها و خواست اعضای خود باز می گردد و از سوی دیگر به نبود آگاهی و شناخت مهارت های فکری و مشارکتی، وضعیت رفاهی نامناسب و عدم مشارکت در فعالیت های داوطلبانه و نوع نگرش ها و ارزشهای افراد که به توانایی اعضای جامعه دلالت دارد. همچنین یافته های احمدی (۱۳۸۳) در رساله کارشناسی رشد رشته پژوهشگری اجتماعی دانشگاه الزهرا با عنوان "بررسی تاثیر آگاهی از حقوق و تعهدات شهروندی در شهر بر فرایند تحقق حقوق شهروندی" نشان می دهد که در مجموع، میزان آگاهی از حقوق شهروندی، کم و تعهدات شهروندی از آن کمتر است.

آگاهی از حقوق شهروندی مستلزم دسترسی به منابع اقتصادی، اجتماعی (درآمد، شغل، مسکن)، منابع فرهنگی، سیاسی (تعلیم و تربیت، حق گفتمان در حوزه عمومی، آزادی های زبان و مذهب/دین) می باشد. دانشجویان به عنوان کسانی که دارای سرمایه فرهنگی (تحصیلات، آموزش) هستند که این متغیر به عنوان واسطه ای آگاهی اجتماعی افراد را تحت تاثیر قرار می دهد و با توجه به نقش بارز و مهم آنان در تغییر و تحولات اجتماعی بررسی میزان آگاهی آنان از حقوق شهروندی از اهمیت و جایگاهی ویژه ای برخوردار است. بنابراین این پژوهش در پی یافتن پاسخی برای سؤالیهای ذیل می باشد: آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی به چه میزان است؟ آیا آگاهی دانشجویان دانشجویان از ابعاد مختلف حقوق شهروندی (ابعاد: مدنی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، جنسیتی) یکسان است؟

۲. فرضیه ها: ۱- آگاهی دانشجویان از ابعاد مختلف حقوق شهروندی متفاوت است.

۲- میزان آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی در حد متوسطی است.

۳. مبانی نظری

۳-۱. **نظریه افلاطون**: اولین فیلسوف و متفکر سیاسی که به مفهوم شهروند در تئوریهای سیاسی پرداخت افلاطون بود. افلاطون در کتاب جمهوری شهروندان را یکی از محورهای اصلی تأسیس دولت و حکومت مطلوب قرار می دهد. (علیدوستی، ۱۳۸۸: ۵۱). از منظر افلاطون برای درک جامعه ای با زمینه دموکراسی، نیاز به شهروندانی آزاد و برابر است و قانون محور حکومت سیاسی است. (حاجی پور، ۱۳۸۹: ۸۹).

۳-۲. **نظریه ارسطو** از نظر ارسطو شهروند کسی است که حق مشارکت در سرنوشت جامعه، احراز مناصب و دادرسی دارد. ارسطو فضیلت را در گرو به دست آوردن حکم عملی (نه نظری) می‌داند که برای همه شهروندان میسر است. (همان: ۹۰). ۳-۳. **نظریه توماس هابز**: هابز حقوق شهروندی را شامل حق طغیان، حق اعمال نظر، حق انتخاب وکیل و نماینده و حق آزادی بیان می‌داند و معتقد است مادامی که شهروندان از این حقوق برخوردار نشوند جامعه مدنی به معنای واقعی خود شکل نخواهد گرفت. (داودوندی، ۱۳۸۹: ۳۹). ۳-۴. **نظریه جان لاک** از نظر لاک همه شهروندان از حقوق زندگی، آزادی و مالکیت برخوردار بوده و وظیفه اصلی اجتماع سیاسی یا حکومت تضمین و حمایت از این حقوق است. (هیتر، ۱۹۹۹) و دیگران به نقل از شیانی، (۱۳۸۱: ۶۳). به نظر وی حقوق همه افراد با هم برابر و یکسان است و تمام افراد باید بطور مساوی در تعیین سرنوشت خود شرکت داشته باشند. (سادات، ۱۳۶۰: ۵۴). ۳-۵. **نظریه ژان ژاک روسو**: روسو در نظریه قرارداد اجتماعی خود مفهوم نوینی از نقش شهروند ارائه کرد، در اندیشه او شهروند، فردی مستقل و آزاد است که شایستگی مشارکت در تصمیم‌گیریها را که همه باید تابع آن باشند، دارد. بنابراین حکومت باید بر مبنای رای مردم، قانونگذاری کند و نمایندگان بر اساس خواست مردم عمل کنند. اینها برای تضمین آزادی، ضروری است. در مقابل، مردم همه باید از قانون اطاعت کرده و در امور مختلف مشارکت کنند، در حقیقت دفاع لاک و روسو از شهروندی به صورت آزادی با قید قانون و مشروعیت حکومت با رضایت آحاد افراد جامعه بوده است. (شیانی، ۱۳۸۱: ۶۰-۸۰)

۳-۶. **نظریه بارون دو مونتسکیو** مونتسکیو حکومتها را به سه دسته جمهوری، سلطنتی و استبدادی تقسیم می‌کند و معتقد است که فضیلت در حکومت جمهوری، امری بسیار ساده است و آن همانا عشق به جمهوری است، عشق به جمهوری همان عشق به برابری و از این رو عشق به امساک و صرفه جویی است. از منظر مونتسکیو، دولت موظف است که برای هر شهروند، خوراک سالم و جامه مناسب و زیستی سازگار با تندرستی فراهم کند (جونز، ۱۳۸۳: ۲۹۷). ۳-۷. **نظریه جان استوارت میل** حقوق شهروندی از دیدگاه میل، شامل: داشتن آزادی درباره مسائل جسمی و روحی خود و داشتن آزادی مالکیت جسمی و روحی، داشتن بیان عقاید و نظرات در یک فضای توأم با برابری که هیچ‌کس تصور نکند که عقیده اش بخاطر برتری جویی دیگری رد شد. (جونز، ۱۳۸۳: ۱۵۵). ۳-۸. **ماکس وبر** از نظر وبر شهروند بودن به معنای توانایی مشارکت مردم در تصمیم‌گیری، تنظیم سیاستها و نیز شرکت داشتن در انتخاب رهبران بود و امتیازات ویژه آنها شامل حق شهروندی به انضمام انحصارات بازار، حقوق تجارت آزاد، جواز مبادله و حق کاهش دادوستد رقابت آمیز، مشارکت در امور قضایی و موقعیتهای ویژه برای مقاصدی چون اهداف نظامی بود. بنابراین وبر بیشتر بر حق سیاسی شهروندان مانند حق رای و انتخاب نمایندگان توجه داشته است و مشارکت شهروندان را رکنی اساسی در این زمینه می‌داند. (هزار جریبی و امانیان، ۱۳۹۰: ۷). ۳-۹. **تالکوت پارسونز**: از نظر پارسونز یک شهروندی کامل به دور از هرگونه تبعیض اجتماعی به معنی برخورداری همه اقشار و گروههای اجتماعی از حقوق و تعهدات شهروندی و آگاهی آنان از حقوق خود است. (همان: ۹-۱۰).

۳-۱۰. **تی. اچ. مارشال**: مارشال حقوق شهروندی را دارای سه حوزه اصلی می‌داند: ۱- حقوق مدنی: عبارت از حقی است که امکان تملک دارائیه و التزام به قراردادهای آزادیهای حزبی و آزادی فکر و اندیشه را فراهم می‌کند، ایجاد توقعات برابر و قضاوت بی طرفانه در نظام حقوقی، نسبت به همه شهروندان از جمله حقوق شهروندی مدنی است. ۲- حقوق سیاسی: عبارت است از حقوقی که امکان مشارکت مردم را در تصمیمات عمومی کشور با تشکیل احزاب سیاسی و برگزاری انتخابات، دسترسی مستقیم به موقعیتهای سیاسی در مقام رهبری احزاب، دولت و سایر حلقه‌های قدرت. ۳- حقوق اجتماعی: شامل کمکهای مالی و رفاهی به افراد کهنسال، معلول و افراد خانواده‌های بیکار، بهره‌مندی از امکانات آموزشی، مسکن و سلامتی برای همه اعضای جامعه. (عاملی، ۱۳۸۰: ۱۷۵).

۳-۱۱. **برایان اس. ترنر**: ترنر حقوق شهروندی را مجموعه‌ای از حقوق قانونی و رسمی می‌داند که برای یک جامعه معین تعریف شده و در آن شهروند مدعی برخورداری از منابع ملی می‌شود. ترنر به نقش شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه و افراد توجه دارد و معتقد است آگاهی از حقوق در میان اقوام مختلف متفاوت است. (هزار جریبی و امانیان، ۱۳۹۰: ۹). ۳-۱۲. **آنتونی گیدنز**: آنتونی گیدنز در زمینه شهروندی با ترکیب عناصر فردی و ساختاری معتقد است که شهروند جامعه امروزی باید از حق برابری زنان و مردان، برابری در رأی و برابری در روابط برخوردار باشد. (شیانی، ۱۳۸۲: ۱۶). ۳-۱۳. **یورگن هابرماس**: هابرماس، شهروندی را در رابطه با اجتماع سیاسی، جامعه مدنی و حوزه عمومی چه با یک دولت ملی هم‌مرز باشد و چه نباشد، تحلیل می‌کند. از نظر وی در بافت "حوزه عمومی" و "جامعه مدنی" است که افراد نقش شهروندی پیدا می‌کند. وی مشارکت را معرف اصلی شهروندی می‌داند و دسترسی برابر به حقوق مشارکتی را مورد توجه بیشتر قرار می‌دهد. (شیانی، ۱۳۸۴: ۱۶۷).

۳-۱۴. **کیث فالكس**: فالكس شهروندی را هویتی متضمن برابری و مبتنی بر استدلال و حقوق فردی معرفی می‌کند و آن را در مقابل هویت‌های مبتنی بر سلطه (نظیر بردگی، رعیتی و ...) و همچنین هویت‌های جمعی از پیش تعیین شده (نظیر نژادی، قومیت، جنسیت، مذهب، طبقه و ...) قرار می‌دهد. فالكس نظریه خود درباره شهروندی را که گاه آن را "پسامدرن" گاه "پسالیبرال" و گاه "شهروندی چندگانه" می‌نامد ارائه می‌کند.

دهد. بنظر او در شرایط جهانی شدن و به منظور برطرف کردن محدودیتها و نارسایی های مفهوم لیبرالی شهروندی باید آن را از هویت‌های محدود کننده نظیر ملیت جدا کرد و آن را به فراتر از جوامع محلی و ملی گسترش داد. (دلوری، ۱۳۸۲: ۱۸-۲۰).

۳- ۱۵. کیملیکا: عقاید کیملیکا در سنت لیبرال ریشه دارد. او نظر خود را "شهروندی چند فرهنگی" می نامد که اهمیت فرهنگ را برای احساس شان و هویت فرد به رسمیت می شناسد. کیملیکا نظریه ای در مورد حقوق اقلیت ارائه می دهد: "یک نظریه جامع عدالت در یک دولت چند فرهنگی هم، شان حقوق همگانی است که به افراد صرف نظر از عضویتشان در گروهی خاص اعطا می شود و هم حقوق ویژه متمایز گروهی یا موقعیت ویژه برای فرهنگهای اقلیت." (فالکس، ۱۳۸۱: ۱۱۲-۱۱۷). در واقع دیدگاه کیملیکا ترکیبی از نگرش مدرن و پست مدرن به شهروندی است که ناظر به ضرورت اعطای شهروندی به تمامی گروههای اجتماعی و اقلیتهای فرهنگی می باشد. (توسلی و نجاتی حسینی، ۱۳۸۳: ۳۹)

۱۶- ۳. توماس ژانوسکی: ژانوسکی در اثر خود با عنوان شهروند و جامعه مدنی (۱۹۹۸) به تایید و بسط انواع حقوق شهروندی مارشال می پردازد و در نهایت نوع چهارمی از حقوق شهروندی یعنی حقوق مشارکت را به سه نوع حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی مارشال افزود. به عقیده ژانوسکی حقوق مشارکت به حقوق فرد و گروه برای مشارکت در تصمیم گیری خصوصی، از طریق میزانی از کنترل روی بازار، سازمانها و سرمایه مربوط می شود، حق مداخله شهروندان در بازار کار، مستلزم مشارکت دولت در تضمین اشتغال برای شهروندان در برنامه های کاربایی، بازآموزی و ایجاد شغل است. (حاجی پور، ۱۳۸۹: ۳۲). **۱۷- ۳. فمینیستها:** فمینیستها عمده بحث خود را بر سر تعریف مجدد از حقوق شهروندی متمرکز می کنند و دستیابی به شهروندی کامل را مستلزم حقوق فراتر از حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی می دانند. اگر چه بخشی از مسأله طرد زنان از حقوق شهروندی به شرایط سیاسی مربوط می شود، اما در بسیاری از موارد به شرایط فرهنگی حاکم و پذیرش خود زنان مربوط می شود. حقوق جنسیتی بر محور حذف هر گونه تبعیض علیه زنان در ابعاد اجتماعی، مدنی، اقتصادی و سیاسی در نظر گرفته می شود. (شیانی، ۱۳۸۲: ۴۱).

۴- پیشینه تحقیق: تحقیقاتی که راجع به شهروندی و حقوق شهروندی در ایران انجام شده است متعدد می باشد که مهمترین آنها که با تحقیق حاضر ارتباط نزدیکی دارند عبارتند از: **سنجش میزان آگاهیهای عمومی به حقوق شهروندی و قوانین شهری.** تحقیقی است که توسط جمال محمدی و نازنین تبریزی انجام شده و با استفاده از مطالعات میدانی به بررسی تطبیقی موضوع در میان ۳۸۹ نفر از افراد واقع در سن ۲۰ تا ۳۵ سال در سطح چهار شهر پرجمعیت استان مازندران (ساری، بابل، آمل و قائمشهر) پرداخته است. روش تحقیق پیمایشی و اسنادی و ابزار آن پرسشنامه می باشد. یافته ها حاکی از آگاهی بسیار اندک جامعه آماری در مورد حقوق شهروندی می باشد. متغیرهای مستقل عبارتند از: جنسیت، سن و میزان تحصیلات پاسخگویان که فقط دو عامل جنس و سن با متغیر وابسته (آگاهی از حقوق شهروندی) رابطه معنادار داشته اند.

تحلیلی بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان. عنوان پژوهشی است که توسط طاهره داوودوندی در سال ۱۳۸۸ صورت گرفته و به توصیف میزان آگاهی از حقوق شهروندی و عوامل موثر بر آن در میان نمونه ای ۳۰۰ نفری از دانشجویان علوم اجتماعی دانشگاههای علامه طباطبایی و آزاد اسلامی می پردازد. روش بکار رفته از نوع پیمایشی و اسنادی و تکنیک جمع آوری داده ها پرسشنامه می باشد. نتیجه بدست آمده بیانگر میزان متوسط و روبه پائین آگاهی افراد مورد مطالعه از حقوق شهروندی است. از بین ابعاد مختلف حقوق شهروندی مانند حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و جنسیتی بیشترین میزان آگاهی مربوط به بعد جنسیتی و کترین آن مربوط به بعد مدنی می باشد. از بین متغیرهای مستقل، متغیرهای نگرش به دخالت دولت، میزان آگاهی از حقوق دانشجویی و نگرش به مشارکت با میزان آگاهی از حقوق شهروندی رابطه معنادار داشته اند. **بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با میزان آگاهی از حقوق شهروندی در بین دانشجویان دانشگاه سراسر و آزاد تبریز.** عنوان پایان نامه خانم زهرا اسکندری است که در دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی در سال ۱۳۸۶ نوشته شده و در آن متغیرهای مستقل عبارتند از: طبقه اجتماعی - میزان مشارکت اجتماعی - نگرش به مشارکت اجتماعی - میزان دسترسی به منابع - تعهد شهروندی - قومیت - ترجیح قومیت و محل تولد که با میزان آگاهی از حقوق شهروندی (متغیر وابسته) در رابطه گذاشته شده اند. روش مورد استفاده، پیمایشی با کمک پرسشنامه می باشد. نتایج حاصله حاکی است که میزان این آگاهی در بین افراد مورد مطالعه متوسط و کمی بیشتر از آن است. آزمونهای استنباطی هم رابطه بین متغیرهای میزان مشارکت، تعهد شهروندی و نگرش به مشارکت را با متغیر وابسته نشان میدهد.

۵- روش پژوهش: روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش، روش تحقیق کمی از نوع پیمایش و اسنادی می باشد. برای مطالعه نظریه ها و تجارب تحقیقاتی از منابع و اسناد موجود مرتبط با موضوع تحقیق، و جهت گردآوری داده ها از پیمایش استفاده شده و ابزار بکار رفته، پرسشنامه محقق ساخته است. جامعه آماری عبارتست از کلیه دانشجویان ترم ۶ و بالاتر مقطع کارشناسی دانشگاه پیام نور مرکز خدابنده (استان زنجان) که در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ مشغول به تحصیل بودند. که با روش نمونه گیری تصادفی ساده نمونه ای ۳۲۲ نفری از آنها با توجه به فرمول کوکران مورد مطالعه قرار گرفتند. برای تجزیه و تحلیل داده ها، از آمار توصیفی مثل جداول توزیع فراوانی، شاخصهای تمایل به مرکز (میانه، میانگین، نما و ...) و شاخصهای پراکندگی (واریانس، انحراف معیار و ...) و همچنین آزمونهای آمار استنباطی (آزمون t تک نمونه ای، و t هتلینگ) با توجه به

سطح سنجش متغیرها و نوع فرضیه‌ها استفاده شده است. در پژوهش حاضر از بین روشهای مختلف تعیین اعتبار ابزار سنجش، از روش اعتبار صوری استفاده کرده ایم. بدین منظور پرسش نامه ساخته شده توسط کارشناسان و صاحب‌نظران شناسی مورد بازبینی و تأیید قرار گرفت و با انجام آزمون مقدماتی بر روی تعداد ۴۰ نفر از پاسخگویان، نهایی گردید. پایایی پرسشنامه با استفاده از آزمون کرونباخ مورد تأیید قرار گرفت. و مقدار آلفای استاندارد شده برای گویه‌های آگاهی از حقوق شهروندی برابر ۰/۷۲ (بالتر از ۰/۷۰) می باشد می توان گفت که پرسشنامه دارای پایایی لازم می باشد:

۶- تعریف نظری میزان آگاهی از حقوق شهروندی

حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی میدانند: ۱- بعد مدنی: حقوق‌هایی مانند آزادی فردی، آزادی بیان، آزادی تفکر و دین، حق داشتن مالکیت، انعقاد قرارداد و حق دسترسی به دادگاه را در بر می گیرد. ۲. بعد سیاسی: عبارت است از حق مشارکت در روندهای سیاسی (حق شرکت در انتخابات و انتخاب شدن). ۳. بعد اجتماعی: طیف کاملی است از حق برخورداری از حداقل رفاه و امنیت گرفته تا حق سهم‌شدن در تمامی میراث اجتماعی و زندگی کردن مطابق با استانداردهای رایج و غالب در جامعه.

آگاهی : عبارت است از وارد شدن وجود یا واقعیت پدیده‌ها به ذهن یا به عبارت دیگر قرار گرفتن پدیده در وضع یا موقعیتی در چارچوب ادراک‌ها، دریچه ورود و قرار گرفتن در ذهن، حواس ظاهر می باشد. یعنی آگاهی و ادراک هنگامی حاصل می شود که ما از طریق حواس پنج‌گانه به وجود شیء، حالت یا وضعیت خاص پی ببریم (شایان مهر، ۱۳۷۷: ۲۸). لذا آگاهی از حقوق شهروندی این است که افراد در ذهن خود در مورد حقوق شهروندی چه چیزهایی می دانند و این دانسته‌ها چقدر مطابق با واقعیت است.

۷- تعریف عملیاتی میزان آگاهی از حقوق شهروندی : در این تحقیق مبنای حقوق شهروندی بر طبق نظریه مارشال و فمینیستها و در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می باشد و در پنج بعد حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و جنسیتی و در قالب ۲۲ گویه مورد سنجش قرار گرفته است. توضیح اینکه، حقوق مدنی با ۸ گویه، حقوق فرهنگی با ۴ گویه، حقوق اجتماعی با ۵ گویه، حقوق سیاسی با ۳ گویه و حقوق جنسیتی با ۲ گویه آزمون شده‌اند. سطح سنجش این متغیر، ترتیبی و به کمک طیف لیکرت دارای حداقل نمره ۱ و حداکثر ۳ می باشد بطوری که ۱۴ مورد از این جملات بصورت مثبت و بقیه به شکل منفی طرح شده‌اند و کسانی که بیشترین میزان موافقت با جملات مثبت و بیشترین میزان مخالفت با جملات منفی را داشته باشند از حقوق شهروندی خود بیشترین آگاهی را دارند و بالعکس.

۸- یافته‌های توصیفی تحقیق : در پژوهش حاضر از کل دانشجویان مورد مطالعه (۶۱/۵ درصد) زنان و (۳۸/۵ درصد) را مردان تشکیل داده‌اند. (۵۷/۱ درصد) از دانشجویان ساکن شهر و (۴۲/۹ درصد) ساکن روستا هستند. اکثر دانشجویان (۶۳ درصد) مجرد هستند. از لحاظ سنی میانگین و میان و مد نمونه آماری ۲۴ سال است. حداقل سن ۱۹ و حداکثر سن ۴۱ می باشد. از میان کل دانشجویان مورد مطالعه، (۸۰/۷ درصد) در رشته‌های گروه علوم انسانی و (۱۹/۳ درصد) در رشته گروه علوم پایه، مشغول به تحصیل بوده‌اند.

آگاهی از حقوق شهروندی به تفکیک ابعاد حقوق شهروندی: در پژوهش حاضر حقوق شهروندی در پنج بعد حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و جنسیتی از طریق گویه‌های طیف لیکرت (۲۲ گویه) به شرح جدول (۱) مورد سنجش قرار گرفته است.

جدول شماره ۱. آماره‌های توصیفی ابعاد میزان آگاهی از حقوق شهروندی

متغیر	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی	مینیمم	ماکزیمم
بعد مدنی	۱۶/۷۱	۲/۵۱	-/۱۲	-/۵۵	۸	۲۴
بعد سیاسی	۵/۸۶	۱/۱۰	-/۴۸	-/۵۳	۳	۹
بعد جنسیتی	۳/۴۰	۱/۰۷	-/۳۹	-/۲۶	۲	۶
بعد فرهنگی	۷/۰۹	۱/۳۷	۱/۱۷	-/۱۵	۴	۱۲
بعد اجتماعی	۱۱/۴۰	۱/۵۵	-/۱۱۵	۱/۶۷	۵	۱۵
حقوق شهروندی	۳۵/۱	۴/۳۵	۱/۰۷	-/۶۰	۲۲	۶۶

بر اساس نتایج به دست آمده در جدول (۱)، میانگین به دست آمده برای بعد مدنی ۱۶/۷۱ است که با در نظر گرفتن حداقل ۸ و حداکثر ۲۴ در حد متوسط قرار دارد. میانگین به دست آمده برای بعد سیاسی ۵/۸۶ است که با در نظر گرفتن حداقل ۳ و حداکثر ۹ در حد متوسط قرار دارد. میانگین به دست آمده برای بعد جنسیتی ۳/۴۰ است که با در نظر گرفتن حداقل ۲ و حداکثر ۶ در حد متوسط قرار دارد. میانگین به دست آمده برای بعد فرهنگی ۷/۰۹ است که با در نظر گرفتن حداقل ۴ و حداکثر ۱۲ در حد متوسط قرار دارد. میانگین به دست آمده برای بعد اجتماعی ۱۱/۴۰ است که با در نظر گرفتن حداقل ۵ و حداکثر ۱۵ در حد متوسط قرار دارد. در نهایت بعد از جمع بستن تمام ابعاد مزبور،

شاخص حقوق شهروندی ساخته شد. میانگین این متغیر ۳۵/۱ است که با در نظر گرفتن حداقل ۲۲ و حداکثر ۶۶، در حد تقریباً متوسط قرار دارد (جدول ۱). بیشترین آگاهی مربوط به بعد مدنی و کمترین آگاهی به بعد جنسیتی است. (جدول شماره ۱).

۹- نتایج حاصل از آمار استنباطی فرضیات: نتیجه آزمون فرضیه اول مبنی بر اینکه آگاهی دانشجویان از ابعاد مختلف حقوق شهروندی متفاوت است. با توجه به خروجی جدول T هتلینگ و سطح معنی داری ۰/۰۰۰ فرضیه تأیید می‌گردد. (جدول شماره ۲).

جدول شماره ۲ - Hotelling's T-Squared Test

Hotelling's T-Squared	F	df1	df2	Sig.
10718.812	2.653E3	4	300	.000

فرضیه دوم: میزان آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی در حد متوسطی است. با توجه به آزمون کای اسکور و سطح معنی داری ۰.۰۱ فرضیه محقق تأیید می‌گردد.

جدول شماره ۳ - Test Statistics

	shahervandi
Chi-Square	247.316 ^a
df	199
Asymp. Sig.	.01

۱۰- نتیجه گیری

یکی از نهادهای اصلی و تأثیر گذار در جامعه نهاد آموزشی است و دانشگاه‌ها علاوه بر تربیت نیروی متخصص، نقش مهمی در ایجاد و تقویت نگرشها و گفتمان‌های مدرن دارد. گفتمان شهروندی که در دهه‌های اخیر تبدیل به گفتمان مطرح در جامعه شده است در برگیرنده مجموعه‌ای از حقوق قانونی و رسمی است که برای یک جامعه معین تعریف شده و در آن شهروند مدعی برخورداری از منابع ملی می‌شود. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ۱۲ اصل به حقوق سیاسی شهروندی، ۸ اصل به حقوق اجتماعی شهروندی، ۱۴ اصل به حقوق مدنی شهروندی، ۴ اصل به حقوق فرهنگی شهروندی پرداخته شده است. (قانون اساسی، ۱۳۶۸) و در دین اسلام به حقوق شهروندی هم اشاره و تأکید شده است. گفتمان شهروندی زمانی در جامعه به منصف ظهور می‌رسد که عوامل انسانی از حقوق مطروحه و چگونگی مطالبه آن آگاهی داشته باشد. چه بسا در جامعه شرایط عینی و ساختاری مهیا باشد ولی شرایط ذهنی آن موجود نباشد که در صورت فقدان هر یک از شرایط ذهنی و عینی علی‌الخصوص ذهنی شاهد عدم تحقق و فعلیت آن خواهیم بود. تحولات تاریخی ایران نشان دهنده عدم تحقق کامل حقوق شهروندی در دوره‌های مختلف است. ردپای حقوق شهروندی که از انقلاب مشروطیت در ایران دیده می‌شود ولی با چالشهای مختلفی این گفتمان مواجه شده است. در دوره مدرن و با ایجاد نهاد دانشگاه انتظار می‌رود که این نهاد نقش مهمی در بالا بردن و آگاهی بخشی حقوق شهروندی در بین دانشجویان داشته باشد. دانشجویان آگاه به عنوان قشر بزرگی از جامعه نقش بارزی در ایجاد و تقویت جامعه مدنی و دموکراسی خواهند داشت. لذا بررسی وضعیت آگاهی این قشر تأثیر گذار جامعه از الزامات مهم پژوهش حاضر بود. که نتایج پژوهش نشان دهنده آگاهی متوسط دانشجویان از ابعاد مختلف حقوق شهروندی می‌باشد. که این یافته پژوهش با تحقیق حمید ارسته و همکاران تا حد زیادی همخوانی دارد که طبق یافته محققین مذکور آگاهی دانشجویان آزاد اسلامی در تمامی ابعاد سه گانه حقوق شهروندی به طور معناداری در سطح پایین تر از میانگین قرار دارد. و در تحقیق ملیحه شبانی و طاهره دالوند " بررسی تطبیقی شهروندی در دانشگاه علامه طباطبایی و دانشگاه آزاد اسلامی نشان داده شد که میزان آگاهی از حقوق شهروندی در دانشجویان دانشگاه آزاد کمتر از دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی بوده است. میزان آگاهی دانشجویان متوسط رو به پایین می‌باشد. و تحقیق دیگری با عنوان بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با میزان آگاهی از حقوق شهروندی در بین دانشجویان دانشگاه سراسر و آزاد تبریز. که توسط زهرا اسکندری به انجام رسیده و نتایج حاصله حاکی است که میزان این آگاهی در بین افراد مورد مطالعه متوسط و کمی بیشتر از آن است.

لذا با توجه به اهمیت حقوق شهروندی و در حد قابل قبول نبودن میزان آگاهی دانشجویان، لازم است نهادهای علمی و دانشگاه‌ها در عناوین واحد درسی، واحدی با عنوان حقوق شهروندی را بگنجانند و مطالب آموزشی از حالت انتزاعی صرف بیرون آمده و مطالب عینی و انضمامی بیشتری در محتوای دروس گنجانده شود. و بازنگری در روش تعلیم، و اتخاذ رویکرد آموزشی عقلانیت انتقادی برای آگاه‌سازی و بالا بردن قدرت تفکر در راستای پرورش شهروندان متعهد و آگاه به حقوق شهروندی. البته در کنار اینها، مساعد بودن شرایط ساختار سیاسی و اجتماعی لازمه عملی شدن و احقاق حقوق شهروندی می‌باشد.



منابع

- ۱- توسلی، غلامعباس و نجاتی حسینی، سید محمود (۱۳۸۳)، بررسی واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران، دوره پنجم، نامه انجمن انسان شناسی ایران.
- ۲- جونز، ویلیام تامس (۱۳۸۳)، خداوندان اندیشه سیاسی: از ماکیاولی تا بنتم (ترجمه علی رامین)، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۳- حاجی پور، رضا (۱۳۸۹)، آموزش شهروندی، تهران: انتشارات فرهنگ سبز.
- ۴- داودوندی، طاهره (۱۳۸۹)، تحلیلی بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان، شماره ۵، فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی.
- ۵- دلاوری، ابوالفضل (۱۳۸۲)، از شهروندی دولت شهری تا شهروندی جهانی، تهران: کتاب ماه علوم اجتماعی.
- ۶- سادات، محمدعلی (۱۳۶۰)، آشنایی با مکتبها و اصطلاحات سیاسی، تهران: انتشارات هدی.
- ۷- شیانی، ملیحه (۱۳۸۱)، تحلیلی جامعه شناختی از وضعیت شهروندی در لرستان، شماره ۳، دوره چهارم، مجله جامعه شناسی ایران.
- ۸- _____ (۱۳۸۲)، وضعیت شهروندی و موانع تحقق آن در ایران، تهران: دانشگاه تهران، پایان نامه دکتری جامعه شناسی.
- ۹- _____ (۱۳۸۴)، شهروندی و مشارکت در نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی، شماره ۱۸، سال سوم، فصلنامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی.
- ۱۰- عاملی، سعیدرضا (۱۳۸۰)، تعامل جهانی شدن، شهروندی و دین، شماره ۱۸، نامه علوم اجتماعی، تهران.
- ۱۱- علیدوستی، ناصر (۱۳۸۸)، پلیس و آموزش حقوق شهروندی، شماره ۲، سال دوازدهم، فصلنامه مطالعات راهبردی.
- ۱۲- فالکس، کیث (۱۳۸۱)، شهروندی (ترجمه محمد تقی دلفروز)، تهران: انتشارات کویر.
- ۱۳- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸)، محمد علی عبداللهی، انتشارات نشاط.
- ۱۴- هزار جریبی، جعفر و امانیان، ابوالفضل (۱۳۹۰)، آگاهی زنان از حقوق شهروندی و عوامل موثر بر آن، شماره ۹، سال سوم، مطالعات و پژوهشهای شهری و منطقه ای.

۱- Janoski.T(1998).citizenship and civil society, Cambridge university press

2-Marshal, T.H.(1994). Citizenship and Social Class in B.S.Turner& Hamilton Citizenship: Critical Consept. London: Roul ledge.

Abstract

Citizenship rights is one of the requirements for the realization of democracy in any society. These rights within the constitutional framework consisted of various types of rights (including social, cultural, political, gender and civil rights). The present research was conducted to investigate and analyze students' awareness of citizenship rights at Khodabandeh Payam Noor University using survey method and questionnaire. Using simple random sampling method 322 students were selected among junior and senior students studying in the 95-96 academic year. The research hypotheses were: 1. Students' awareness of different dimensions of citizenship right (civil, political, social, cultural, gender dimensions) is different. 2. The degree of students' awareness of citizenship right is average. Using research statistical analysis, descriptive statistics (mean, standard deviation, skewness, etc.), and inferential statistics (t-Test and Chi-square test), the research hypotheses were confirmed. The highest and the lowest level of awareness among students were related to civil rights and gender rights, respectively.

Key words: citizenship rights, students, awareness, constitution